

## بیانیه حزب توده ایران: سلامت و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان در مقابله با ویروس کرونا تامین باید گردد!



اقدام‌هایی ضروری مانند تدارک بیمارستان یا بیمارستان‌هایی تخصصی با امکانات و تجهیزات لازم برای مقابله با این ویروس کشنده، بر نگرانی‌های مردم به‌ویژه زحمتکشان افزوده است. همچنین با انتشار خبر افزایش قربانیان ویروس کرونا، رانندگان اتوبوس با نگرانی از شیوع کرونا **ادامه در صفحه ۳**

همان‌گونه که انتظار می‌رفت با شیوع ویروس کرونا در کشور سلامت کارگران و زحمتکشان نیز امنیت شغلی آنان به چالشی جدی تبدیل شده است. رژیم ولایت فقیه ناتوان از مدیریت و مقابله با شیوع این ویروس کشنده، تا کنون به اقدام‌هایی کم‌اثر، سطحی، و بیشتر تبلیغاتی، بسنده کرده است. در این میان سلامت و زندگی میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های‌شان در معرض تهدیدی جدی قرار گرفته است. چندی پیش نماینده قم در مجلس، در سخنانی یادآور شده بود: "درحال حاضر پرستاران لباس مناسب قرظینه ندارند و با ترس و دلهره به بیماران رسیدگی می‌کنند." خبرهای ضد و نقیض در مورد گسترش این ویروس و انجام نگرستن

نامۀ  
کارگری  
ضمیمه

مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۰، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۸



## پیامد برنامه تعدیل ساختاری بر امنیت شغلی پرستاران

درحالی‌که پرستاران برای مهار ویروس کرونا در خط مقدم مبارزه با این ویروس فداکارانه به‌کار مشغول هستند، رژیم ولایت فقیه و کارگزارانش کماکان از برآوردن مطالبه‌های به‌حق آنان شانه

خالی می‌کنند. رهبران تشکل‌های دست‌ساز رژیم (به‌خصوص تشکل ضدکارگری خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار) در حمایت از ولی فقیه سه هفته قبل از انتخابات نمایشی مجلس و به‌منظور گرم کردن تنور انتخابات بسیار فعال بودند و سخنرانی‌های فراوانی کردند. مثلاً، روز ۲۵ بهمن‌ماه، معاون دبیرکل خانه کارگر "تشویق به شرکت نکردن در انتخابات" را "توطئه‌چینی" دانست، و روز ۲۶ بهمن‌ماه، بر دستیابی به تغییر از طریق صندوق انتخابات و نه "از کف خیابان" تأکید کرد. با این وجود، کارگران همانند دیگر مردم با شرکت نکردن در انتخابات نشان دادند که چنین تبلیغاتی دیگر خریداری ندارد. یکی از قول‌های تبلیغاتی نامزدهای نمایندگی از سوی خانه کارگر علاوه بر همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، رسیدگی به خواست‌های پرستاران بود. اینک باتوجه به شیوع ویروس کرونا نقش بی‌بدیل زحمتکشان بخش بهداشت و درمان کشور به‌ویژه پرستاران بیش‌ازپیش جلوه‌گر شده است. پرستاران با وجود تأمین نشدن خواست‌های به‌حق‌شان، با جان‌فشانی در کنار مردم به‌منظور مهار ویروس کرونا تلاش می‌کنند. فراموش نکنیم که اجرای برنامه تعدیل ساختاری اثرهایی مخرب بر قدرت خرید و امنیت شغلی پرستاران داشته است.

در شرایطی که خصوصی‌سازی در سه دهه اخیر تیشه به ریشه امنیت شغلی و معیشت پرستاران و دیگر زحمتکشان کشور زده است، تشکل‌های زرد حکومتی تنور انتخابات رژیمی را گرم کرده و می‌کنند که اخیراً نیز با طرح "برون‌سپاری درمان تأمین اجتماعی"، خصوصی‌سازی درمان کارگران را به سوی اجرایی کردن پیش می‌برد. بر اساس گفته محجوب، دبیرکل خانه کارگر، "استارت اجرای برون‌سپاری درمان زده شده" است و بنا به گفته او می‌خواهند "از همه بیمه‌شدگان پول دریافت کنند." خبرگزاری ایلنا، ۲۹ بهمن‌ماه ۹۸، نیز از آغاز "مزایده املاک" سازمان تأمین اجتماعی از سوی رژیم ضد مردمی در راستای به‌اصطلاح "شفاف‌سازی" خبر داد.

با اجرای سیاست تعدیل ساختاری نولیبرالی در سه دهه اخیر و تشدید خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در سال‌های اخیر، رژیم ولایت فقیه علاوه بر استثمار سبعانه پرستاران، با تحمیل مدل‌های مختلف قرارداد کاری، معیشت و امنیت شغلی آنان را در معرض تهدید مداوم و روزانه قرار داده است. برای بهره‌کشی حداکثری از زحمتکشان و تضمین بقای نظام، علاوه بر سرکوب فعالان صنفی و حرکت‌های اعتراضی زحمتکشان، تمام دستگاه حاکمه رژیم ولایتی به جلوگیری از شکل‌گیری تشکل‌های صنفی **ادامه در صفحه ۳**

## سخنی درباره پیوند دادن مبارزه برای افزایش عادلانه دستمزد با مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی

در هفته‌های پایانی هر سال نشست‌های "شورای عالی کار" برای تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران برگزار می‌شود. به روال معمول، به‌موافقت برگزاری این نشست‌ها دولت و تشکل‌های زرد حکومتی نیز هیاهوی تبلیغاتی هدفمندی پیرامون به‌اصطلاح "سه‌جانبه‌گرایی" به‌راه می‌اندازند و در زمینه تحمیل نظرشان درباره حداقل دستمزد کارگران به جوسازی می‌پردازند. امسال نشست‌های دوره‌ای شورای عالی کار برای تعیین میزان حداقل دستمزد کارگرانی که قانون کار شامل حال آنان می‌گردد تحت تأثیر مجموعه‌ای از رویدادها ازجمله دو رویداد مهم قرار داشت. رویداد نخست، اجرای مرحله‌ای جدید از برنامه آزادسازی اقتصادی بود که با گرانی بنزین کلید خورد که نتیجه‌اش جهش قیمت‌های اقلام مورد نیاز مردم و خیزش مردمی آبان‌ماه بود. رویداد دوم، مقدمات برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس شورا بود که طی آن مردم میهن ما با مشارکت نکردن در آن، سیاست ولی فقیه را در این مورد با ناکامی و شکست روبرو کردند.

پس از گرانی بنزین یا به‌عبارت دقیق‌تر مرحله جدید آزادسازی قیمت‌ها، چگونگی محاسبه سبد معیشت برای **ادامه در صفحه ۲**

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



را حفظ کنیم، یعنی نمایندگان کارگری که اکنون در مجلس هستند مجدداً به مجلس بفرستیم، اگر در مجلس نماینده نداشته باشیم خیلی چیزها را از دست می‌دهیم، قوانین کارگری

تصویب می‌کنند. ... " از این گونه تبلیغات عوام‌فریبانه و مضحک در آن مقطع زمانی به‌فراوانی رواج داشت. همان‌طور که در سطرهای پیشین اشاره کردیم، این توصیه خانه کارگر با "نه" قاطع مردم و طبقه کارگر روبرو شد و حتی علیرضا محجوب، عنصر فاسد و ضدکارگری رژیم، نتوانست به مجلس راه یابد.

بهرروری، تمام این رخدادها و مسائل مرتبط با حقوق کارگران و زحمتکشان، شورای عالی کار شکل می‌گرفت و بیش‌ازپیش به این جلسه‌ها و اصولاً به چگونگی تأمین منافع کارگران- به‌ویژه دستیابی به دستمزدی عادلانه- محتوایی سیاسی می‌بخشید. درحقیقت، رویدادهای منتهی به انتخابات فرمایشی مجلس در ۲ اسفند و مسائل مرتبط با حقوق کارگران و زحمتکشان، نشان دادند که مبارزه برای افزایش دستمزد صرفاً در دایره فعالیت‌های صنفی- رفاهی نمی‌تواند محدود شود. در این زمینه به تحولات سیاسی و اثر آن‌ها بر مبارزات صنفی و سندیکایی باید دقت و توجه لازم را داشت. به‌عبارت‌دیگر، خواست طبقه کارگر برای افزایش عادلانه دستمزد در این مقطع زمانی، با سیر تحول و آرایش قوا در صحنه سیاسی ارتباط مستقیم داشته و بی‌شک از مضمون سیاسی نیز برخوردار است. اما این مضمون سیاسی و پیوند ظریف میان مطالبه‌های صنفی و روندهای سیاسی چیست؟ و اصولاً نقطه پیوند مبارزه برای خواست‌های فوری و حقوق سندیکایی با پیکار همگانی بر ضد دیکتاتوری به‌خاطر دستیابی به عدالت اجتماعی و آزادی‌های دموکراتیک در کجاست؟ ما بارها در ارزیابی جنبش اعتراضی طبقه کارگر بر این نکته محوری و عمده تأکید ورزیده‌ایم که دستیابی به مطالبه‌های صنفی- رفاهی ازجمله افزایش عادلانه دستمزد و تأمین امنیت شغلی، ضرورت دارد که جنبش سندیکایی زحمتکشان مبارزه‌اش را بر تقابل و مخالفت با برنامه‌های اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه متمرکز کند. تنها از این رهگذر می‌توان هشیارانه و منطبق با ظرفیت‌های جنبش از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان دفاع کرد.

موضوع افزایش دستمزد و تقویت قدرت خرید کارگران نمی‌تواند با روندها و تحولات صحنه سیاسی بی‌ارتباط دانسته شود. فراموش نکنیم که در جلسه "کمیته مزد" که همین چند روز پیش به‌پایان رسید، سرانجام نمایندگان تشکل‌های مزد حکومتی (در لباس نمایندگان کارگران) در ادامه یافتن سیاست به‌اصطلاح "تقلیل‌گرایانه"- هم‌سو و هماهنگ با کارفرمایان و دولت- مبلغ نهایی سید میشت خانوار را ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین کردند. این تصمیم گواهی روشن بر این واقعیت است که، بدون سطحی معین از سازمان‌دهی و فعالیت آزاد سازمان‌های سندیکایی، خواست‌های اصلی موردنظر طبقه کارگر و زحمتکشان انجام نخواهد پذیرفت. پیوند ظریف و ارگانیک میان این خواست‌های صنفی با رویدادهای سیاسی را باید در نظر گرفت و در مبارزه به‌کار بست. در سالیان اخیر، شورای عالی کار (با توجه به ترکیبش که هیچ نماینده‌ای واقعی از طبقه کارگر در آن نیست) قدرت آن را نداشته است که دستمزدها را مطابق منافع زحمتکشان تعیین و تصویب کند. این نکته کلیدی خود از اهمیت احیای حقوق سندیکایی و احیا و ایجاد سندیکاهای واقعی طبقاتی حکایت می‌کند.

تا مادامی که فعالیت سندیکاهای کارگری از سوی حکومت جمهوری اسلامی سرکوب می‌شود، نمی‌توان به تأمین حقوق صنفی-رفاهی زحمتکشان چشم امید داشت. برای احیای حقوق سندیکایی نیز مبارزه باید همه‌جانبه و با استفاده از همه امکان‌ها صورت گیرد. احیای حقوق سندیکایی از روندهای صحنه سیاسی جدا و منفک از آن نیست. به‌این دلیل باید پیوند منطقی‌ای که میان عرصه‌های مختلف مبارزه وجود دارد را به‌درستی دید، محاسبه کرد، و در مبارزه روزمره به‌کار بست. امروزه با توجه به صحنه سیاسی بغرنج و سیر شتابان رویدادهای کشور باید بیش‌ازپیش و با تمام توان در راه احیای سازمان‌های سندیکایی برپایه صحیح طبقاتی مبارزه کرد، و هم‌زمان، در راه پیوند مستحکم‌تر جنبش کارگری- سندیکایی با پیکار همگانی ضد دیکتاتوری تلاش ورزید.

## ادامه سخنی درباره پیوند دادن ...

تعیین دستمزد سال ۱۳۹۹ به بحثی حاد تبدیل گردید و اعضای "کمیته مزد" شورای عالی کار با انتقاد از تشکیل نشدن به‌موقع جلسه‌های این کمیته، به‌هدف فریب کارگران، بر تأثیر افزایش قیمت‌ها بر سید معاش خانوارهای کارگری به‌مانور پرداختند و در آن مقطع زمانی به‌یک‌باره بحث مزد منطقه‌ای، مزد صنفی، و مزد بر اساس سن و جغرافیا به‌ویژه از سوی کارفرمایان و با حمایت دولت پیش کشیده شد. طرح چنین بحث‌هایی و سپس بازتاب دادن گسترده آن‌ها در رسانه‌ها در درجه اول جزو راهبرد رژیم ولایت فقیه درخصوص چگونگی تعیین دستمزد بوده و هست. رژیم ولایت فقیه و هر سه ضلع شورای عالی کار (نمایندگان کارگران [نوع زردش]، نمایندگان کارفرمایان، و نمایندگان دولت) با بهره‌برداری‌های تبلیغاتی‌ای حساب‌شده از این‌گونه بحث‌ها کوشیده‌اند و می‌کوشند چگونگی و نیز درجه واکنش طبقه کارگر و زحمتکشان در برابر به‌اجرا گذاشتن سیاست آزادسازی مزد را سنجیده و فضایی مناسب- به‌زعیم خودشان- برای اجرایی شدن این‌گونه سیاست‌ها فراهم آورند. این ترفند دقیقاً با مانور بر تعیین سید معاش ارتباط تنگاتنگ داشت و باید این نکته را نیز بیفزاییم که، زاویه کمتر دیده‌شده این نوع مانورها به‌اصطلاح "استوار نشان دادن" تشکل‌های مزد حکومتی و "حمایت" این تشکل‌ها از مطالبه کارگران در شورای عالی کار بوده است. تشکل‌های مزد حکومتی در تمامی مرحله‌های تعیین حداقل دستمزد با دولت و کارفرمایان همسویی نشان داده و می‌دهند.

پرواضح است که مقصود ما سیاست و راهبرد غالب تشکل‌های مزد حکومتی است که برخورد یا تشکل‌ها در آن عضو این تشکل‌ها در آن‌ها تأثیری نداشته و نخواهد داشت. همچنان که اشاره شد، هدف این بود که با هیاهوی تبلیغاتی‌ای هدفمند تشکل‌های مزد حکومتی (مانند: خانه کارگر، انجمن‌های صنفی کارگری، و شوراهای اسلامی کار) به‌دروغ تشکل‌هایی با ماهیتی صنفی و در تقابل با کارفرمایان معرفی گردند. این راهبرد به‌دلیل انتخابات مجلس در ۲ اسفندماه و فعالیت‌های پر تپ‌وتاب خانه کارگر برای گرم کردن تئور انتخابات با مصوبه هیئت دولت درخصوص ساماندهی به قراردادهای موقت تکمیل شد. خانه کارگر و تمامی تشکل‌های مزد حکومتی‌ای نظیر آن، مصوبه هیئت دولت درخصوص ساماندهی قراردادهای موقت در آستانه انتخابات نمایشی یک دستاورد معرفی می‌کردند تا بدین وسیله بتوانند کارگران را به پای صندوق‌های رأی بیاورند. شکست سنگین ولی فقیه و مشارکت نکردن توده‌های مردم ازجمله کارگران میهن ما خود این سیاست‌های فریبکارانه را ناکام گذاشت و ماهیت تشکل‌هایی نظیر خانه کارگر و سران فاسدش را بیش‌ازپیش آشکار کرد. در انتخابات فرمایشی مجلس در ۲ اسفندماه، با آنکه خانه کارگر در همراهی با کانون‌های شوراهای اسلامی کار و کانون‌های انجمن‌های صنفی و با همه توان‌شان به‌منظور گرم کردن تئور انتخابات با به میدان گذاشته بودند، اما شکست افتضاح‌آمیزی خوردند و حتی نامزدان خانه کارگر و متحدانشان برای نمایندگی مجلس از تهران نتوانستند به مجلس راه پیدا کنند. با توجه به صحنه سیاسی و صف‌بندی‌های نوین در کشور باید منتظر بود که چه نقش جدیدی برای خانه کارگر در چهارچوب راهبرد رژیم ولایت‌فقیه تعیین خواهند کرد. هم‌زمان با نزدیک شدن به موعد انتخابات مجلس و نشست‌های پایانی شورای عالی کار، به‌ناگهان تشکل‌های مزد حکومتی اعلام کردند که آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار در هیئت دولت به‌تصویب رسید. اندک زمانی پس از اعلام تصویب آیین‌نامه اجرایی یاد شده، نوبت به کارزار انتخابات مجلس و تبلیغات جهت‌دار خانه کارگر رسید. حسن صادقی، از رهبران فاسد خانه کارگر، یک هفته مانده به زمان انتخابات فرمایشی مجلس، خواستار حضور گسترده کارگران در این انتخابات شده بود. خبرگزاری ایلنا، ۲۶ بهمن‌ماه، گزارش داد: "رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با اشاره به مشکلات جامعه کارگری گفت، ما برای حل این مشکلات دو راه داریم، یکی از راه صندوق و انتخابات است که کم مخاطره و پرمفعت است و دیگری از راه خیابان و اردوکنشی که پرمخاطره و سود کمی دارد. ... نگاه شما نباید به خارج از مرزها باشد." هم‌زمان با آن، علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر، نیز بنا به‌وظیفه محوله به دروغ‌پردازی دست یازید و کارگران را به‌شکر در انتخابات فراخواند. او اعلام کرد: "نگاه تمام افشار جامعه به‌جلسات تعیین مزد است. ... خبر خوشی که این روزها شاهد آن بودیم، این بود که قراردادهای موقت پس از چهار سال دائم خواهد شد که این قدم بزرگی در بحث امنیت شغلی است." مسئول خانه کارگر شرق تهران را با از این هم فراتر نهاد و به‌طور علنی اعلام کرد: "۵۳ درصد جمعیت کشور را کارگران و خانواده‌های آنها تشکیل می‌دهند... براین اساس جامعه کارگری حتی می‌تواند رئیس‌جمهور انتخاب کند... ما باید داشته‌هایمان

## ادامه پیامد بر نامه تعدیل ساختاری ...

مستقل زحمتکشان توجهی ویژه داشته‌اند. کنترل هیئت مرکزی نظارت و تحمیل اعضای مورد نظر به این نهاد - یعنی نهاد مسئول تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی تشکل پرستاران - به وسیله دولت و وزارت بهداشت، سازمان نظام پزشکی، کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، وزارت کشور، و دادستانی کل کشور، مانع دخالت پرستاران در تعیین دستمزد، منافع، و سرنوشت‌شان می‌شود. مطابق گزارش ۲ بهمن‌ماه خبرگزاری ایلنا، "حتی نام یک نماینده به انتخاب پرستاران در ترکیب نهادی که صلاحیت کاندیداهای انتخاباتی تشکل پرستاران را بررسی می‌کند، دیده نمی‌شود." هم‌اکنون با اجرای برنامه اقتصادی دیکته شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و خصوصی‌سازی تمامی عرصه‌های تولید و خدمات، رژیم ولایی پرستاران و نیروی کار ایران را به یکی از ارزان‌ترین نیروهای کار در جهان تبدیل کرده است.

پرداخت حقوق‌های چندین بار زیر خط فقر، تنها طریقه بهره‌کشی از پرستاران نیست. پرداخت حقوق، اضافه‌کاری، و کارانه با ماه‌ها تأخیر، و ثبت بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بسیاری از خدماتی که توسط پرستاران انجام می‌شود به حساب پزشکان "متخصص" - با در بر داشتن هزینه‌هایی بالا برای بیماران - راه‌های دیگر نقض حقوق پرستاران در رژیم ولایی است، چندان که بنا به گزارش ۲۴ شهریورماه ۹۸ ایلنا "دریافتی یک پزشک گاهی به بالای ۳۰۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان رسیده است" و باز بر اساس گزارش ۲۹ بهمن‌ماه ۹۸ ایلنا بخشی از پزشکان "تا مرز یک میلیارد و هشتصد [تومان] از منابع ملی پریکس (کارانه) می‌گیرند." درحالی که همین خبرگزاری، ۲۶ بهمن‌ماه ۹۸ گزارش داده بود که، پرستاران بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی ارومیه "از پرداخت یک مورد کارانه مربوط به بهمن ۹۶ و یک مورد اضافه‌کاری مربوط به شهریور ۹۸ خبر دادند." پرستاران دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در "مجموع ۱۷ مورد کارانه و اضافه‌کاری طلب داشتند." این پرستاران گفتند: "مبالغی که تحت عنوان کارانه به پرستاران پرداخت شده در مواردی با کاهش مواجه بوده است؛ درحالی که نسبت به سال ۹۶ با افت ارزش ریالی این مبالغ ارزش کمتری نیز پیدا کرده‌اند." مطابق گزارش‌های ایلنا، روزهای دوم و پنجم اسفندماه ۹۸، جمعی از پرستاران "نسبت به رویکردهای مخالفت با اجرای قانون ارتقای بهره‌وری در اضافه‌کاری‌ها و شیفت شب و تعطیلات" اعتراض کردند. آنان با اشاره به خدمت در "صف مقدم مبارزه با کرونا"، اجرای سه قانونی که سال‌هاست بر زمین مانده یعنی: "تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری"، "قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و درنهایت، قانون ارتقای بهره‌وری" را به‌منزله مهم‌ترین خواست‌های پرستاران عنوان کردند.

در رابطه با قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری - که بعد از گذشت ۱۳ سال از تصویب آن هنوز اجرا نمی‌شود - روز ۲۷ بهمن‌ماه ۹۸، جمعی از پرستاران اعلام کردند: "سه‌م تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری به روال سیزده سال گذشته" از بودجه "۸۵ هزار میلیارد" تومانی وزارت بهداشت برای سال ۹۹ نیز "هیچ" است. یکی دیگر از خواست‌های مهم پرستاران، "حذف نظام پرداختی قاصدک" و "طرح پرداختی مبتنی بر عملکرد است." قبل از تصویب و اجرای این طرح، اضافه‌کاری و کارانه "تهابتاً با یک ماه تأخیر پرداخت می‌شد، اما از زمان اجرای این طرح، پرستاران مجبور هستند ۹ ماه، یک سال یا حتی ۱۴ ماه منتظر بمانند." ایلنا، ۳ بهمن‌ماه، گزارش داد: "هشتاد درصد پرستارها در شش ماه اول کارشان خشونت کلامی و سی درصد خشونت فیزیکی را تجربه می‌کنند."

در راستای تهدید بیشتر امنیت شغلی پرستاران و تشدید بهره‌کشی از آنان، به‌رغم وجود حدود ۲۰ هزار "پرستار بیگانه" ایلنا، ۱۲ آبان‌ماه ۹۸ "از تدوین پیش‌نویس اولیه این‌نامه جذب پرستار جوانی کار اتباع بیگانه" توسط معاون پرستاری وزارت بهداشت گزارش داد. همچنین جمعی از پرستاران، ۷ آذرماه ۹۸، از زمزمه‌هایی درباره خصوصی‌سازی خدمات اورژانس بیمارستان‌ها و خدمات اورژانسی خبر دادند. جمعی از پرستاران هم در روز ۲۰ بهمن‌ماه ۹۸، از "زمزمه‌هایی مبنی بر جذب نیروی پرستاری" خبر دادند و نگرانی‌شان را از جذب نیرو به "صورت قراردادی شرکتی" اعلام کردند. مبارزه پرستاران بخشی - جداپذیر از مبارزه جنبش سندیکایی زحمتکشان ما برای تأمین منافع صنفی - رفاهی است. باید قاطعانه از این مبارزه حمایت کرد.

## ادامه سلامت و امنیت شغلی کارگران ...

سخن به‌میان آوردند. رانندگان زحمتکش اعلام کردند: "باید امکانات ایمنی در اختیارمان قرار دهند. شهرداری‌های شهرهای مختلف از جمله تهران باید ماسک، دستکش و ضدعفونی‌کننده در اختیار رانندگان - چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی - قرار دهند؛ این مسئله، مهم‌ترین مطالبه‌ی رانندگان است."

این مطالبه‌ای بر حق و بسیار جدی است، زیرا بسیاری از کارگران و زحمتکشان مجبورند برای امرار معاش خود و خانواده‌های‌شان با وسایل نقلیه عمومی کار کنند، یعنی کارهایی که هر آن در خطر ابتلا به این بیماری قرارشان می‌دهد. همچنین کارگران پارس جنوبی، خواستار برقراری امکانات پیشگیرانه در عسلویه و کنگان شدند و گفتند: عسلویه کلونی کارگری و در معرض خطر است. برخی از کارگران شرکت‌های سامسونگ الکترونیکس و هیوندای موتور به‌منزله اقدامی احتیاطی در خانه ماندند تا از شیوع بیشتر ویروس کرونا جلوگیری کنند. بنا بر گزارش درج شده به‌تاریخ ۶ اسفندماه در خبرگزاری ایلنا، "تکرانی کارگران صنایع، نساجی و خودروسازی جدی است. ... وضعیت کارگران غیررسمی به‌مراتب نگران‌کننده است. کارگران کارگاه‌های کوچک زیر ده نفر، فروشگاه‌ها، مشاغل زیرپله‌ای، مشاغل خانگی و غیررسمی، در معرض بیشترین خطر قرار دارند."

کاهش قدرت خرید و سقوط سطح زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و بدی میهن ما طی سالیان اخیر سبب شده است که امکان دسترسی کامل و به‌موقع به خدمات پزشکی، درمانی، و بهداشتی برای آنان میسر نباشد. از این‌روی، اکنون با شیوع ویروس همه‌گیر کرونا، خواست کارگران و زحمتکشان دسترسی به امکانات پیشگیرانه و درمانی برای حفظ سلامتی و نیز تضمین امنیت شغلی را خواستارند. حزب ما حفظ سلامتی زحمتکشان و خانواده‌های آنان در مقابله با خطر هلاکت‌بار ویروس کرونا را وظیفه‌ای مهم، فوری، و خطیر دانسته و در عین حال مسئولیت عمل به چنین وظیفه‌ای را بر عهده حکومت جمهوری اسلامی و به‌ویژه وزارت کار و دیگر دوایر مرتبط با آن می‌داند. حزب توده ایران خواهان تأمین سلامت جسمی و روحی و همچنین امنیت شغلی طبقه کارگر در وضعیت خطیر کنونی است. ما اقدام‌هایی فوری به‌شرح زیر را خواهانیم:

- ۱ - کلیه امکانات و وسایل پیشگیری و درمان باید هرچه سریع‌تر و به‌طور رایگان در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار بگیرد؛
- ۲ - در زمان تعطیلی موقت واحدهای صنعتی، خدماتی، تولیدی، کارگاه‌ها و دوایر خصوصی و دولتی و مدارس به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، دستمزد کارگران، کارمندان، و فرهنگیان باید به‌طور کامل پرداخت گردد و این پرداخت از سوی وزارت کار، وزارت آموزش و پرورش، و دیگر دوایر، تضمین شود؛
- ۳ - باید از اخراج کارگران در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به‌بهانه شیوع ویروس کرونا به‌ر شکل و بدون استثنا جلوگیری گردد؛
- ۴ - دستمزد و درآمد کارگران بخش‌های خدماتی و حمل‌ونقل درون‌شهری و برون‌شهری، رانندگان اتوبوس، لوکوموتوررانان راه‌آهن و مترو، مهمانداران قطارها و هواپیماها، در دوره تعطیلی و توقف فعالیت‌ها به‌دلیل شیوع ویروس کرونا باید تأمین و تضمین شود؛
- ۵ - پرستاران و کارکنان بخش بهداشت به‌عنوان مدافعان خط مقدم مقابله با ویروس کرونا و حفظ سلامتی مردم، در دوره خدمت برای مهار ویروس باید علاوه بر دستمزد و مزایای شرایط عادی، از مزایای فوق‌العاده نظیر پرداخت اضافه‌کاری دوبله، افزایش زمان مرخصی با حقوق، پرداخت مبلغ تشویقی علاوه بر دستمزد و اضافه‌کاری و نظایر آن بهره‌مند شوند. پرداخت این مزایای فوق‌العاده طی مدت زمان شیوع کرونا می‌باید قانوناً تضمین گردد؛
- ۶ - با اقدامی فوری کودکان کار و خانواده‌های آنان تحت حمایت کامل سیستم پیشگیری و درمان رایگان در مقابله با ویروس کرونا قرار بگیرند و در مقام کودک سلامتی آنان تضمین شود. با اقدامی ضربتی، کار کودکان به‌ویژه در زمان شیوع ویروس ممنوع و خوراک و مسکن آنان در کنار خانواده‌های‌شان تأمین گردد؛
- ۷ - امنیت شغلی طبقه کارگر و همه زحمتکشان فکری و بدی باید در هر شرایطی تأمین شود.

حزب توده ایران  
۱۲ اسفندماه ۹۸

زمان و با آن تصمیم کل معضل را سی سال به تعویق انداختند و عملاً زحمتکشان موردنظر را به فقر دوران سالمندی پرتاب کردند. این زحمتکشان نه با میل و رغبت بلکه با شرمندگی به اداره رفاه اجتماعی برای دریافت کمک هزینه می‌روند.

**عصر ما:** آیا اساساً سندیکاهای کارگری آلمان نسبت به این معضل آگاه هستند و راهکاری برای به عقب راندن و یا از میان برداشتن این بخش‌ها که دستمزدی پایین پرداخت می‌کنند در نظر گرفته‌اند؟

**اورت وین بیکووه - سویدرسکی:** اگر منظور آن از این پرسش این است که آیا سندیکاهای آلمان ارتباطی خیلی تنگ‌تنگ و نزدیک با حزب سوسیال‌دمکرات آلمان داشته‌اند ولی به اعتقاد من در این فاصله بسیاری در این مورد تجدیدنظر کرده و از سیاست قبلی انتقاد کرده‌اند. سندیکاهای سیاست‌های منطبق با منافع کارگران را باید در فعالیت‌شان به‌پیش ببرند. راهکار سندیکاهای ما فقط می‌تواند یک معنی داشته باشد، و آن هم مخالفت و اعتراض به افزایش سن بازنشستگی، اعتراض به سیاستی که لازمه برخورداری از حق بازنشستگی را با سن ۶۷ سالگی اجرا شدنی می‌داند. این سیاست، زحمتکشان بازنشسته را به دوران فقر سالمندی پرتاب می‌کند و قبل از هر چیزی باید بازار کار از مشاغل سخت و طاقت‌فرسا پاک شود.

همچنین هزینه‌هایی را که بر دوش صندوق بازنشستگی تحمیل شده است باید به‌سود کارگران تغییر داد. به این دلیل که هزینه‌های غیر مرتبط با صندوق بازنشستگی مانند: مزایای دوران بارداری و پس از زایمان، خدمات پیشگیری و سلامتی و دیگر خدمات از حساب این صندوق و با این استدلال که پولی در اختیار نداریم، پرداخت می‌شود. این استدلال کاملاً نادرست است، زیرا بودجه تسلیحات دو درصد افزایش یافته است. دولت این پول را به‌جای هزینه کردن برای تولید یا خرید تسلیحات می‌توانست به حساب صندوق بازنشستگی واریز کند. به‌نظر من بازسازی‌ای کامل در ارتباط با سیاست بازنشستگی انجام باید و همچنین برنامه‌ای بر اساس طبقه‌بندی مشاغل نیز دنبال شود. برای یک کارگر سقف‌ساز یا یک کارگر کاشی‌کار، بسیار سخت و عملاً غیرممکن خواهد بود که تا سن ۶۷ سالگی کار کند. ما باید از طرف سندیکاهای قراردادهای دیگری تنظیم کنیم. بنابراین، تا آنجا که ممکن است باید بازسازی‌ای کامل در بازار کار و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی - اقتصادی انجام و عملی شود.

**عصر ما:** ما این روزها شاهدیم که در فرانسه چگونه سندیکاهای حمایت وسیع مردم در برابر سیاست‌های دولت که برای کاهش خدمات بازنشستگی برنامه‌ریزی شده است، ایستادگی و مقاومت می‌کنند. چرا سندیکاهای آلمان از قدرت خودشان استفاده نمی‌کنند و نیروی‌شان را علیه سیاست‌های ریاضتی به‌کار نمی‌اندازند؟

**اورت وین بیکووه - سویدرسکی:** حتی می‌شود بیشتر و ژرف‌تر به این پرسش پرداخت. من باید صادقانه اعتراف کنم که تا چند روز پیش نیز نمی‌دانستم که مثلاً کارگران فرانسوی در اعتصاب، پول اعتصاب دریافت نمی‌کنند و هزینه تمام این مبارزه و مقاومت را از جیب خودشان می‌پردازند. آنان از حمایت‌هایی بسیار اندک برخوردارند و از این منظر، مبارزه آنان می‌تواند الگویی برای سندیکاهای آلمان در راستای ارتقا سطح آگاهی طبقاتی و رشد مبارزاتی طبقه کارگر آلمان باشد.

به‌همین منظور ما باید به آموزش‌های سندیکایی شدت و اهمیت بیشتری بدهیم، آموزش‌هایی که در سندیکاهای کاهش پیدا کرده یا به‌دست فراموشی سپرده شده‌اند. در پایان، به‌نظر من طبقه کارگر باید آگاه‌تر و علم‌مند شود، طبقه کارگری که از طرف سازمان سندیکایی‌ای نیرومند در مبارزه‌ای طبقاتی راهش را به‌پیش هموار کند.

ترجمه از: "عصر ما"، روزنامه حزب کمونیست آلمان (د.ک.پ)، یازدهم بهمن‌ماه

۱۳۹۸  
<https://www.unsere-zeit.de/armutsloehne-abschaffen-123477/>

## کارگران با سیاست کاهش سطح دستمزدها مبارزه می‌کنند!



مصاحبه روزنامه "عصر ما" با  
"اورت وین بیکووه -

**سویدرسکی"**، دبیر کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان  
 "از آنجا که دستمزدها کافی نیست، سه میلیون کارگر مجبورند در کنار شغل اصلی خود یک کار جنبی دیگری نیز انجام بدهند تا بتوانند از پس هزینه زندگی بریبایند. کاهش دستمزدها به‌شکل انفجاری درآمده است."  
 عصر ما در این باره و در ارتباط با چگونگی ممانعت از کاهش دستمزدها، واکنش سندیکاهای را جویا شده است. به‌همین منظور مصاحبه‌ای را با اورت وین بیکووه - سویدرسکی، دبیر کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان، (د ک ب) انجام داده است.

**عصر ما:** "بنگاه ارزیابی کار" به اداره کار و از آن طریق به کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان در بخش مونسترلاند علامت خطر را در رابطه با پایین بودن دستمزدها به‌صدا درآورده است. چه نکته‌ای در این مورد برای کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان اهمیت ویژه دارد؟

**اورت وین بیکووه - سویدرسکی:** ما در کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان نیز در این زمینه ارزیابی‌ای انجام دادیم. به‌طور مثال، در منطقه‌ای که ۸ هزار و ۷۹۲ نفر کار می‌کنند، متأسفانه به هر پنج نفری که به‌شکل تمام وقت کار می‌کنند، دستمزد پایینی پرداخت می‌شود. دستمزد پایین یعنی درآمدی کم‌تر از ۲۲۰۰ یورو در ماه. در این ارزیابی مهم ما به تبعیض جنسیتی پی بردیم و تعجب‌آور این است که باید شوربختانه بگوییم بیش از ۷۰ درصد این کارگران را زنان کارگر تشکیل می‌دهند.

**عصر ما:** در مشاغل پاره‌وقت هم که در واقع بخشی بزرگ از اقتصاد را شامل می‌شود، دستمزد پایین پرداخت می‌شود. به‌نظر شما چه اقدام‌های ضروری‌ای را باید در مخالفت با مشاغل پاره‌وقت انجام داد؟

**اورت وین بیکووه - سویدرسکی:** شما وقتی که با دقت به سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های بازار کار نظر می‌اندازید، متوجه عدم تعادلی در آن می‌شوید. ما زمانی می‌توانیم جایگزینی در مقابل مشاغل پاره‌وقت و مشاغل سخت ارائه بدهیم که آن‌ها را کاملاً از میان برداریم. کارهای موقت باید کاملاً برچیده و قراردادهای دائم شوند.

**عصر ما:** طرح مشاغل پاره‌وقت یا ایجاد بخش‌هایی با پرداخت دستمزد پایین در واقع هدف قانون معروف به "هارتز ۴" (Hartz4) بود که از سوی دو حزب حاکم وقت، یعنی سوسیال‌دمکرات‌ها و سبزها به‌اجرا درآمد. طرح یادشده چه پیام ناگواری را به‌دنبال داشت؟

**اورت وین بیکووه - سویدرسکی:** این تصمیم، تصمیمی بود خاص، دردآور، و کشنده که در آن زمان گرفته شد. به‌عبارت ساده‌تر، یک زن شاغل در فروشگاه می‌تواند پس از چهار و پنج سال کار مستمر و بی‌وقفه، امروز از حق بازنشستگی‌ای ناخالص به میزان ۷۴۹ یورو در ماه برخوردار شود، اما به‌دلیل پایین بودن این میزان از بازنشستگی، می‌تواند درخواست کمک‌هزینه بکند. ولی چنین کارگری که چهار و پنج سال کار بی‌وقفه و مستمر را انجام داده باشد وجود ندارد. ضمن اینکه مثلاً، باید آن زمانی را که صرف تربیت فرزندان و کارهای خانه کرده است را هم به‌حساب بیاوریم. دقیق‌تر گفته باشیم، در آن

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۰  
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.30

2 March 2020

شماره فاکس و تلفن  
 پیام گیر ما

004930  
 23629727

